

حمایت حقوق بشری از زنان و کودکان بی سرپرست در جمهوری اسلامی ایران

الهه جعفری

چکیده

از زمان زیست انسان بر روی کره زمین و رشد جمعیت و نسل‌ها بر روی آن همواره جمعیت زنان و کودکان بی سرپرست به دلایل مختلف از جمله جنگ، تصادفات، غارت، قتل، عوامل طبیعی و غیر مترقبه و ... رو به افزایش بوده است. زنان و کودکان بی سرپرست در معرض آسیب‌های فراوان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و .. قرار می‌گیرند. از طرفی کمبودها و فقر، فشار مضاعفی را بر این گونه خانواده‌ها تحمیل کرده و موجب افزایش انواع ناهنجاری‌ها گردیده و سلامت آنها و در نهایت سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. از این رو بررسی وضعیت زنان و کودکان مهمترین مسئله پیش روی جامعه است. مسئله زنان و کودکان بی سرپرست تنها در کشور ما مطرح نیست، بلکه در سراسر جهان مسائل و مشکلات زنان و کودکان بی سرپرست از مهمترین دغدغه‌های پیش روی کشورها است. در واقع همه کشورها به نوعی سعی در حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست داشته‌اند، اما تفاوت در میزان توجه به این قشر است.

زنان و کودکان بی سرپرست به عنوان بخشی از شهروندان جامعه، حق داشتن زندگی با کیفیت زیر سایه امنیت و عدالت اجتماعی و به دور از نگرانی و تهدید را دارند، لذا در این مقاله ابتدا به بررسی کلیات مفهوم سرپرست و بی سرپرستی پرداخته، سپس به واکاوی وضعیت زنان و کودکان بی سرپرست در ایران و نگاه خاص اسلام به مسئله سرپرست می پردازیم.

کلیدواژه: حقوق زنان، حقوق بشر، زنان بی سرپرست، کودکان بی سرپرست، قانون اساسی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در میان اکثر جوامع انسانی، پدر به عنوان اصلی‌ترین و محوری‌ترین عضو خانواده مسئولیت سرپرستی و مدیریت خانواده را برعهده دارد به همین خاطر پدیده بی‌سرپرستی در اغلب تعاریف با عنوان فقدان پدر در خانواده تعریف می‌شود. (بلداجی، فروزان، رفیعی، ۱۳۸۹: ۱۰)

پدیده بی‌سرپرستی به معنای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در همه کشورها به صورت یک بحران بزرگ اجتماعی، ساختارهای اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند؛ زیرا افراد بی‌سرپرست در اثر عدم حمایت خانواده و جامعه به مفاسد اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. بی‌سرپرستی معضلی است که از زمان‌های قدیم وجود داشته و از پدیده‌های غمناک جامعه بشری است و در هر مقطع و دوره زمانی، بنا به رسوم، فرهنگ، اعتقادات مردم و دستگاه حکومتی با این پدیده برخورد متفاوتی شده است. آنچه مسلم است با وجود باورها و فرهنگ‌های مختلف همواره سعی بر حمایت بی‌سرپرستان وجود داشته و تنها تفاوت در نوع و میزان حمایت می‌باشد. در کشورهای پیشرفته پدیده بی‌سرپرستی در ارتباط مستقیم با بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده و تغییرات اساسی در نظام‌های اجتماعی و خانوادگی موجب پدیدار شدن ارزش‌های تازه‌ای گردیده که رفتارهای فردی و اجتماعی در اثر عوامل متعدد تغییر نموده و نقش نهادهای فرهنگی و مذهبی در حیات اجتماعی کاهش یافته و رشته‌های پیوند و پایداری نهاد خانواده کمرنگ گردیده است. علی‌رغم تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تأکید بر جلوگیری از استثمار زنان و انجام اقدامات مناسب برای تضمین توسعه و پیشرفت زنان در

همه زمینه‌ها و بهره‌مندی آنان از حقوق بشر، کم نیستند زنانی که در کشورهای جهان، در اثر فقر و به منظور امرار معاش خود و یا فرزندانشان به روسپیگری مشغولند، یا خرید و فروش می‌شوند و در حمل و نقل مواد مخدر و ... استثمار می‌شوند. مسئله حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست نه تنها در کشورهای اروپایی بلکه در کشور ایران نیز از سابقه طولانی برخوردار است. مسئله بی‌سرپرستی یکی از مسائل اجتماعی و بهزیستی کشور است. (بعقوبی، ۱۳۸۵: ۵)

زنان سرپرست خانوار به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. این زنان به علت تعدد نقش‌هایی که بر عهده‌ی آنهاست، فشارهای زیادی را در کانون خانواده تجربه می‌کنند. (تاج‌الدین، والا، ۱۳۹۳: ۱۲۰) از آنجایی که زنان و کودکان بی‌سرپرست در معرض آسیب‌های فراوان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و .. قرار می‌گیرند، از این رو بررسی وضعیت زنان و کودکان مهم‌ترین مسئله پیش روی جامعه است. هدف اصلی مقاله، بررسی وضعیت زنان و کودکان بی‌سرپرست در ایران و مقایسه آن با معیارهای حقوق بین‌الملل می‌باشد، لذا سوالی که مطرح می‌شود آن است که زنان و کودکان بی‌سرپرست در ایران در چه وضعیتی هستند؟ و جمهوری اسلامی ایران در قبال این قشر چه برنامه‌ها و امکاناتی را در جهت بهبود شرایط آنها در نظر گرفته است؟ فرضیه مقاله این است که زنان و کودکان بی‌سرپرست احتیاج به کمک‌های معنوی، عاطفی و مادی دارند و اگرچه اقدامات موثری در جمهوری اسلامی ایران برای این قشر در نظر گرفته شده است، اما هنوز ناکافی است و این قشر آسیب‌پذیر، نیاز به توجهات بیشتری دارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱ سرپرست

در فرهنگ صبا آمده است سرپرست (به فتح سین) یعنی پرستار، نگهبان، بزرگتر خانواده، کسی که در اداره یا بنگاهی به جای رئیس کار می‌کند. سرپرستی نیز به معنی نگهبانی و پرستاری ذکر شده است. (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۱۰)

۱-۲ بی سرپرست

بی سرپرستی در ادبیات ملل مختلف تعاریف متفاوتی دارد. در بیشترین موارد به معنای نبودن پدر یا نان‌آور در خانواده به هر دلیل می‌باشد. در ادبیات اروپایی و آمریکایی مفهوم بی سرپرست مترادف است با Father less (یتیم)، به طور کلی بی سرپرست در نظام‌های سیاسی و اجتماعی مختلف در ارتباط با دلایل پدیدآورنده آن دارای تعاریف متفاوت می‌باشد. (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۱۱)

۱-۳ کودکان بی سرپرست

اصطلاح کودکان بی سرپرست به کودکانی اطلاق می‌شود که به علل گوناگون از حمایت، مراقبت و نگهداری موثر توسط خانواده محروم بوده و امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۵۲۸)

۱-۴ زنان بی سرپرست

به کلیه زنانی اطلاق شده که به دلایل مختلف از جمله فوت همسر، طلاق و رهاشدگی، مجرد زندگی می‌کنند. زنانی که به دلایل مختلف همسرانشان را از دست می‌دهند یا از همسرانشان جدا می‌شوند.

۱-۵ زنان سرپرست خانوار

زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را بر عهده دارند و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که

مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را به دوش دارد و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی به عهده اوست. (دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰: ۳)

۲. دیدگاه‌ها و مبانی نظری

موضوع زنان سرپرست خانوار در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در ذیل به ارائه‌ی برخی از نظریات اندیشمندان در این حوزه پرداخته شده است.

۲-۱ نظریه رفاه اجتماعی

در خصوص زنان سرپرست خانوار یکی از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین سیاست‌های توسعه اجتماعی در جهان سوم و بالأخص در رابطه با امور زنان، نظریه رفاه اجتماعی است. تعاریف متعدد و متنوعی از رفاه اجتماعی ارایه شده است و این واژه معمولاً حالتی را می‌رساند که در آن کلیه افراد از آن چه تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی آنان است، برخوردار باشند. برای توزیع شرایط رفاهی در جامعه، خصوصاً برای آن دسته از افرادی که توانایی تأمین شخصی رفاه خود را ندارند، خدمات اجتماعی شکل می‌گیرد. خدمات اجتماعی فعالیت‌های سازمان یافته‌ای هستند که هدف آن‌ها کمک به سازش و تطابق بین افراد و محیط شان است.

۲-۲ نظریه فقرزدایی

نظریه فقرزدایی را می‌توان به عنوان دومین نظریه در مورد زنان در توسعه، مشخص کرد که در آن نابرابری اقتصادی را بین زنان و مردان به فرمان‌بری و پایین‌تر بودن زن ربط نداده، بلکه آن را نتیجه‌ی فقر می‌دانند، بنابراین تأکید روی از بین بردن عدم تساوی بین زن و مرد به از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی تغییر جهت پیدا می‌کند.



۲-۳ نظریه ساختی کارکردی

براساس این نظریه خانواده‌های زن سرپرست اساساً با شکل طبیعی و سنتی خانواده‌های دو والدی در تضادند و در واقع پیدایش این گروه از خانواده‌ها نوعی انحراف محسوب می‌شود. «شانس‌های زندگی» در کودکان این خانواده‌ها به علت غیبت پدر و مادر زندگانی زوجی زیادی کاهش می‌یابد و عدم اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند. بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی (خانه‌داری) به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود.

۲-۴ نظریه کنش

برخلاف نظریه‌های قبلی که همگی جنبه‌ای ساختاری و کلی داشتند و با دیدی کلی و ساختی به بررسی مسائل زنان سرپرست خانوار می‌پرداختند، طرفداران نظریه کنش از جنبه دیگری به طرح مسئله می‌پردازند به نظر آنان اگرچه خانواده‌های زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار کار)، ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به عبارت دیگر نمی‌توان این گروه از زنان را «قربانی» و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان راه‌های مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت.

۲-۵ نظریات اسلام

در دیدگاه اسلام، زن و شوهر در همه امور خانوادگی و روابط بین خویش، از حقوق همسان و برابری برخوردارند، جز اینکه مرد در مدیریت و سرپرستی

خانواده و سر و سامان بخشیدن به امر همسر خویش، دارای تکلیفی افزون‌تر است. مرد به سبب پرداخت مهریه، تحمل هزینه زندگی، دفاع از خانواده و مسئولیت زندگی مشترک، از حق سرپرستی بهره‌مند است. البته این سرپرستی نشانه تقرب بیشتر مرد نزد خداوند نیست، زیرا زن و مرد از ریشه واحدی آفریده شده‌اند و هریک می‌توانند با تقوا و ایمان به خداوند نزدیک شوند. قرآن کریم دلایل سرپرستی مردان را این‌گونه بیان می‌دارد: «الرجال قوامون على النساء» ترجمه آیه چنین است: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند، پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان، حافظ حقوق شوهران می‌باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و...»

مسئله سرپرستی و مدیریت، مسئله‌ای اساسی و مهم در جامعه بشری است و یکی از تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در مدیریت است. قرآن کریم مدیریت خانواده را به عهده مردان گذاشته و زنان را در سایر مسئولیت‌های عظیم خانواده یعنی تربیت نسل و ایجاد آرامش و حرکت تکاملی مشمول نموده است. از نظر قوانین و مقررات حقوقی اسلام، زن وظیفه‌ای در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد و می‌تواند درآمد فعالیت‌های خود را صرف امور شخصی خود یا پس‌انداز نماید. در این رابطه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... للنساء نصيب مما اكتسبن ...» (سوره نساء، آیه ۳۲). «... زنان را از آنچه بدست می‌آورند نصیبی است...»

بنابراین زن در سرپرستی خانواده نیز وظیفه‌ای ندارد و اگر این امور را عهده‌دار می‌شود عملی پر مشقت است که از روی فداکاری، احسان و تبرع انجام می‌دهد

و اسلام نمی‌پسندد که زنان را موظف به آن نماید. به طور کلی در دیدگاه اسلام، مسئولیت‌های مهم زن، تربیت نسل انسانی (فرزندان)، گرم نگهداشتن محیط خانه و فراهم‌سازی رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی در خانواده است. ساختار جسمی و روحی زن با این مسئولیت مهم و ظریف تناسب دارد. درگیری و خشونت، ورود به چالش‌های اجتماعی و حضور در نبردهای سیاسی با آنچه که خداوند در سرنوشت و طبیعت او قرار داده است، همخوانی کمتری دارد. حال اگر زنانی که به دلایل مختلف علاوه بر مسئولیت‌های فرزندپروری مجبور شده‌اند که به تنهایی نقش اقتصادی خانواده را بر دوش کشیده و جای خالی پدر را نیز در خانواده پرکنند، گرفتار تعدد نقش خواهند شد که بنا بر نظر فوق احتمالاً تعارض بین این نقش‌ها بوجود خواهد آمد و اگر قوانینی در جامعه نباشد تا از آنها حمایت نماید و از تعارض نقش‌های آنان بکاهد مشکلات جدی برای این دسته از خانواده‌ها بوجود خواهد آمد. (بختیاری، محبی، ۱۳۸۵: ۷۷)

۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر و زنان و کودکان بی‌سرپرست

ماده ۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که بر جلوگیری از استثمار زنان تأکید می‌کند. ماده ۳ اعلام می‌دارد، انجام اقدامات مناسب برای تضمین توسعه و پیشرفت زنان در همه زمینه‌ها و بهره‌مندی آنها از حقوق بشر صورت پذیرد. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد و دوره‌ی مادری

و دوره‌ی کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه‌ی کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند. این ماده حق سلامت را مورد تأکید قرار داده است و در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز ماده ۱۲ به این حق اشاره دارد. حق سلامت، یکی از حقوق افراد بشر و در زمره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌گردد. (اعلامیه جهانی حقوق بشر)

اعلامیه ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۶ جامعه ملل، اولین اعلامیه حمایت از کودکان است که تحت عنوان اعلامیه ژنو تصویب شد و در مقدمه و پنج ماده آن به حمایت جسمی و روحی کودکان توجه زیاد به عمل آمد، اما مهمترین قدم در مورد حمایت از حقوق کودکان در ۱۹۸۹ با تصویب کنوانسیون حقوق کودک برداشته شد. بر اساس این کنوانسیون همه کودکان حق رشد در فضای صلح‌آمیز و عاری از خشونت را دارند و همه باید به چنین امری کمک کنند. (مواد ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۰) پس از آن در اعلامیه جهانی تعلیم و تربیت برای همه، در ۱۹۹۰ در تایلند بر حق تعلیم و تربیت کودکان تأکید گردید. (توسلی نایینی، ۱۳۸۲: ۴۳)

۴. وضعیت آماری زنان بی‌سرپرست در ایران

در ایران هر سال ۶۰ هزار زن بی‌سرپرست می‌شوند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده به طور کلی از مجموع ۱۷ میلیون و ۳۵۳ هزار خانوار کشور، ۱۵ میلیون و ۷۱۲ هزار خانواده سرپرست مرد دارند و یک میلیون و ۶۴۰ هزار نفر زن سرپرست هستند. طی ۱۰ سال گذشته تعداد خانواده‌های زن سرپرست با رشد ۵۸ درصدی نسبت به رشد ۳۸ درصدی خانواده‌های مرد سرپرست افزایش بیشتری داشته است. (دفتر کاهش‌های آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰: ۴)



۵. عملکرد جمهوری اسلامی در ارتباط با زنان بی سرپرست

۱-۵ قانونگذاری

- از جمله مصوبه‌های مجلس پیرامون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ماده واحده‌ای است که در آن دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم کند. در تبصره آمده است که دولت باید حتی‌الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن، بیمه‌شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد. این قانون در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس می‌توان به قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ اشاره کرد که زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان و دختران بی سرپرست و کودکان بی سرپرست مشمول این قانون شده‌اند و در آن زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند می‌شوند. حمایت‌های موضوع این قانون شامل موارد زیر می‌باشند:

- حمایت‌های مالی و تهیه امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی
مستمر

- حمایت‌های فرهنگی اجتماعی از جمله ارائه خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی،...، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری و نگهداری زنان سالمند بی سرپرست و کودکان بی سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی آنان به افراد واجد شرایط.

- آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست در تاریخ ۱۳۷۴/۵/۱۱ به تصویب رسید که مشتمل بر ۱۴ ماده می‌باشد. طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین‌نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی‌سازی زندگی زنان و کودکان بی‌سرپرست می‌باشد. در ماده ۲، بر شناسایی کودکان بی‌سرپرست از طریق هماهنگی با نیروی انتظامی و معرفی آنان به سازمان بهزیستی طی مراحل قانونی و از طریق مراجع قضایی تأکید شده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس، اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت می‌باشد که در تاریخ ۷۵/۷/۱۵ به تصویب رسید. همچنین اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۸۰/۱/۲۲ به این نکته اشاره دارد که مستخدمان زن شاغل و بازنشسته مشمول این قانون که متکفل فرزندان خود می‌باشند.

در ماده ۳، مضمولانی که پس از دریافت کمک‌های بهزیستی به تشخیص مددکاران توانایی لازم جهت کسب درآمد و گذران زندگی عادی را به دست آورده‌اند از شمول اقدامات حمایتی خارج می‌شوند.

در ماده ۴، به اقدامات حمایتی از زنان و کودکان بی‌سرپرست اشاره شده است که شامل:

- خدمات آموزشی و تربیتی

- خدمات کاریابی و اشتغال

- مددکاری، مشاوره و راهنمایی

در ماده ۵، به پرداخت‌های غیرمستمر جهت فراهم آوردن امکانات رفاهی، اشتغال، ازدواج و... اشاره شده است.

در ماده ۶ میزان و مدت پرداخت‌های مستمر تعیین شده است که در آن خانواده‌های دو نفر حداکثر ۳۰ درصد حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال، خانواده‌های سه نفره حداکثر ۳۵ درصد، خانواده‌های چهار نفره حداکثر ۴۰ درصد و خانواده‌های ۵ نفره و بیشتر حداکثر ۵۰ درصد دریافت کنند.

در ماده ۷، به میزان پرداخت مستمری مشمولان سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به صورت یکسان و هماهنگ اشاره شده است. مطابق ماده ۹، افراد و خانواده‌هایی که توانایی لازم جهت زندگی متعارف را پیدا کرده‌اند، مجاز به استفاده از حمایت‌های اقتصادی و دریافت مستمری نیستند.

- مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۴ قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری را به تصویب رساند که در آن شرایط متقاضیان اجاره یا اجاره به شرط تملیک با حفظ اولویت برای متقاضیان جوان متأهل و افراد کم درآمد و زنان سرپرست خانوار لحاظ شده است.

- در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی نیز مبلغ چهار هزار و پانصد میلیارد ریال اعتبار برای اعطای تسهیلات بانکی به طرح‌های سرمایه‌گذاری اشتغال‌زایی بخش‌های تولیدی، خدماتی، بخش‌های خصوصی و تعاونی و خود اشتغالی با اولویت زنان سرپرست خانوار اختصاص یافته است.

- در ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی نیز تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی) برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست

در نظر گرفته شده است. همچنین تهیه و تدوین طرح جامع توانمند سازی زنان خودسرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیأت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه لحاظ شده است.

۵-۲ اجرای

در کشور ما اقدامات ملی محدودی در زمینه فعالیت زنان انجام شده است. از مهمترین اقدامات انجام شده در خصوص فقرزدایی زنان در سال‌های اخیر می‌توان به فعالیت ارگان‌هایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی اشاره کرد که بر موضوعاتی از قبیل کارآفرینی و مهارت‌آموزی زنان سرپرست خانوار تأکید می‌کند که البته این طرح‌ها سستی بوده، پاسخگوی نیازهای زنان سرپرست خانوار نمی‌باشند. نهادهای حمایتی داخل کشور لازم است با قشر آسیب‌پذیر جامعه تعامل برقرار کرده، برنامه‌های خود را مطابق با خواسته‌ها و علایق قشر آسیب‌پذیر تهیه و تدوین کنند. تاکنون بیش از ۴۰۰ هزار طرح خودکفایی توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) اجرا شده که ۷۳ درصد این طرح‌ها در روستاها و شهرهای کوچک و ۲۷ درصد دیگر در سایر نقاط اجرا شده و از این تعداد طرح ۲۳/۳ درصد را زنان سرپرست خانوار اجرا می‌کنند. سالانه بین ۱۲ تا ۱۵ هزار خانواده با اجرای این طرح‌های خودکفایی به استقلال مالی رسیده، از پوشش این نهاد خارج می‌شوند. در پایان سال ۱۳۸۲ حدود ۲/۲ میلیون خانوار (۱۶ درصد خانوارهای کشور) تحت پوشش مستمر و سازمان یافته خدمات حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی قرار داشته‌اند و علاوه بر آنها، حداقل ۲/۸ میلیون نفر به صورت موردی یا

مقطعی از خدمات و حمایت‌های اجتماعی مقرر استفاده نموده‌اند. بیش از ۶۶ درصد از خانواده‌ها، تحت پوشش مستمر خدمات اجتماعی و بیش از ۶۸ درصد از خانواده‌ها و افراد، از خدمات موردی مذکور در شمول اقدامات کمیته امداد امام خمینی (ره) بهره‌مند شده‌اند. تأمین معاش در قالب پرداخت‌های نقدی، تأمین خدمات بهداشتی و درمانی در چارچوب برنامه بیمه درمان اقشار نیازمند و منطبق با مقررات قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، تأمین و بهسازی و ایمن‌سازی مسکن، تأمین زمینه، شرایط و فرصت اشتغال و خودکفایی اقتصادی، تأمین موجبات و وسایل آموزش و تحصیل در سطوح مختلف آموزش عمومی و تحصیلات دانشگاهی، تأمین موجبات و امکانات ازدواج و تشکیل خانواده، تأمین موجبات و کمک به آزادی و رهایی زندانیان معسر واجد صلاحیت و شرایط، زمینه‌های اصلی خدمات معمول در نهاد کمیته امام خمینی (ره) است که زنان و کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، سالمندان روستایی بالای ۶۰ سال و افراد و خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد روستایی و شهری، موضوع و محور اساسی حمایت‌ها و جامعه هدف می‌باشند. از جمله اقدامات بهزیستی اجرای طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی‌های فردی و جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات لازم به منظور بهبود دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، منابع فرهنگی و بازار اشتغال می‌باشد. خدمات مورد نظر در این طرح شامل پرداخت مستمری و کمک هزینه جهت وام مسکن و اشتغال، اجرا و تقویت برنامه‌های کاریابی، تقویت خدمات بیمه‌ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، اصلاح باورهای نادرست در مورد زنان سرپرست خانوار بوده است. (بختیاری،

۶. وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران

مشکلات اقتصادی، فقر فرهنگی، وجود بیماری‌های روانی و اعتیاد والدین، طلاق، مرگ یک یا هر دو والد و بسیاری عوامل دیگر، در کنار هم باعث می‌شوند کودکان بی سرپرست مناسب باشند. (ملازاده، ۱۳۸۲: ۱)

بر اساس آمار رسمی کشور بالغ بر ۶۰ درصد کل جمعیت کشور را (حدود ۹ میلیون و چهارصد و یازده هزار و سی و شش نفر) کودکان کم تر از ۶ سال تشکیل می‌دهد. تعداد کودکان در مهدهای کودک اعم از دولتی و خصوصی و خودکفا در سال ۱۳۷۸ حدود ۳۳۰۰۰۰ نفر (۳/۵ درصد کل جمعیت کودکان) بود. بر اساس مطالعات مربوط به سطح نیازهای جامعه به خدمات رفاهی و بهداشتی، حدود ۶۷/۷ درصد از جمعیت زیر ۷ سال کشور متعلق به خانواده‌های کم درآمد و نیازمند است. این خانواده‌ها دارای مشکل مالی یا معنوی یا هر دو هستند. بر اساس آمار ارائه شده از سوی دفتر امور زنان و خانواده معاونت امور اجتماعی سازمان بهداشتی کشور تا پایان سال ۱۳۷۷ مجموع فرزندان تحت پوشش این سازمان در ۲۸ استان کشور حدود ۳۷۶۱ نفر بود. ۱۱۵۷ فرزند بی سرپرست نیز در خانواده‌های داوطلب زندگی می‌کردند. در همین سال، تحت طرح ایتام کمیته امداد، ۴۵۳۶ نفر فرزند بی سرپرست از خدمات حمایتی و رفاهی این کمیته بهره‌مند بودند. طبق آمار سازمان بهداشتی کشور، تا پایان سال ۱۳۷۸ تعداد ۱۵۰۰۰ فرزند بی سرپرست در سنین شیرخوار تا ۲۴ سال در سازمان‌های حمایتی دولتی و غیردولتی اعم از سازمان بهداشتی، کمیته امداد، دارالایتام و خانواده‌های داوطلب نگهداری و در نیمه اول سال ۱۳۷۹ تعداد ۴۹۷۲ فرزند بی سرپرست تحت پوشش این سازمان قرار داشتند. آمار ارائه شده از سوی سازمان بهداشتی کشور ضمن اشاره به تعداد مددجویان نگهداری شده در

شبانه روزی ها، شیرخوارگاه‌ها و مجتمع‌های حمایتی و شبانه‌روزی‌های مستقل و شبه‌خانواده‌ها گویای آن است که افراد تحت پوشش خدمات بهزیستی در گروه سنی زیر ۱۸ سال از حدود هزار نفر در سال ۱۳۶۹ به نزدیک ۵ هزار نفر در پایان سال ۱۳۷۸ رسیده است. یعنی عملاً بعد از طی مدتی نزدیک به ۱۰ سال پنج برابر شده است. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۹)

در کنار اصول قانون اساسی، قانونی با عنوان قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست» که در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۹۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در مورخ ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۲ جهت اجراء به قوه مجریه ابلاغ گردید. ماده ۱ این قانون اعطای سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست را به اذن مقام رهبری (مدظله‌العالی) و مطابقت با قانون منوط نموده و ماده ۲ آن کلیه امور مربوط به ایشان را به سازمان بهزیستی کل کشور محول کرده است. شرایط پذیرش فرزند از میان کودکان بی سرپرست در مواد ۳ الی ۸ این قانون ذکر شده است. این قانون با ۳۷ ماده، سایر قوانین پیشین از جمله قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ را نسخ نموده است. بنابر اصول سوم، بیست و یکم و بیست و نهم قانون اساسی، سازمان بهزیستی کل کشور به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۴ تیر ۱۳۵۹ تأسیس گردید. این سازمان از مهم‌ترین نهادهای حمایتی دولتی است که از طریق بودجه عمومی به افراد معلول و محروم جامعه کمک می‌نماید. به علاوه ۲۷۶ موسسه خیریه نگهداری و حمایت از کودکان بی سرپرست وابسته به سازمان ثبت شده است، همچنین تعداد ۲۲۶ موسسه هیأت امنایی نگهداری و حمایت از کودکان بی سرپرست و فاقد سرپرست موثر و با صلاحیت، تحت نظر این سازمان مشغول به کارند. این سازمان طرح‌های

مختلفی برای حمایت از کودکان بی سرپرست تحت پوشش خود دارد از جمله، طرح سرپرست داوطلب، طرح شبه خانواده و ... دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی نیز مشتمل بر موادی است که نحوه حمایت و تحت پوشش قرار دادن کودکان بی سرپرست در این سازمان را معین می نماید. (مقدمی، ۱۳۹۶)

۷. مشکلات زنان و کودکان بی سرپرست

زنان پس از بی سرپرست شدن، معمولاً در برابر یکسری مشکلات قرار می گیرند، مانند تأمین و مراقبت از کودک (اگر فرزندی داشته باشد) یافتن سرپناهی مناسب، تأمین معیشت خانواده و دشواری های ناشی از اینکه او تنها بزرگسال خانواده است و باید نقش مادر و پدر را یکجا بازی کند. بزرگترین مشکل یک زن بی سرپرست، مشکل اقتصادی است. اکثر زنان سرپرست خانوار و بی سرپرست، از نظر اقتصادی مشکل دارند که این مشکلات بر وضعیت مسکن و تغذیه آنها تأثیر مسقیم می گذارد. بیکاری و نداشتن شغل یکی از جنبه های مشکلات اقتصادی این زنان است؛ چراکه اکثریتشان به علت نداشتن مهارت مناسب دارای درآمد کافی نیستند و همین عامل زندگی پرمشقت آنان را رنج آورتر می کند. وضعیت بد اقتصادی موجب شده است هم زنان سرپرست خانوار و هم فرزندان آنها از آسیب پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی باشند و عمدتاً یکی از علائم بیماری های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آنها دیده می شود. فرزندان این خانواده ها به طور بالقوه در معرض مسائلی مانند کار کودکان در مشاغل سیاه و غیررسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه قرار دارند. (مهاجری، ۱۳۹۲)

نتیجه گیری

زنان و کودکان بی سرپرست بخش مهمی از شهروندان کشور را تشکیل می دهند. آنها علاوه بر مشکلات اقتصادی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و ... نیز رنج می برند و خطرات زیادی آنها را تهدید می کند. ترس از آینده نامعلوم، منزوی شدن و کناره گیری از خانواده، نداشتن شغل و درآمد کافی و ... دغدغه و مشکلات زنان بی سرپرست در اجتماع است. بنا بر آمارهای موجود در ایران تعداد زنان و کودکان بی سرپرست روندی افزایشی داشته و درصد بسیاری از جمعیت را تشکیل داده اند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای پیشرویی است که بر اساس سنت الهی اکرام ایتم در سند استراتژیک قانون اساسی به این امر توجه نموده و سازمانی اختصاصی برای حمایت از کودکان بی سرپرست تأسیس کرده است. به نظر می رسد در طی سالیان اخیر وضعیت رسیدگی به ایتم و کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در کشور روند رور به رشدی را سپری نموده و اگرچه اقدامات صورت گرفته ارزشمند و مثبت قلمداد می شود، اما ضعفها و کاستیهای موجود نیز نیازمند حرکت جمعی ملت و تلاش مضاعف دستگاههای اجرایی است. به طور کلی می توان گفت در ایران حمایت هایی که از زنان و کودکان بی سرپرست صورت می گیرد، اگرچه از نابودی این قشر فراموش شده، اجتماع بر اثر گرسنگی و فقدان سرپناه جلوگیری می نماید، اما این حمایتها کافی نیست و در حقیقت خانواده های بی سرپرست در کشور ما از تأمین حداقل ضروریات زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی برخوردار نبوده و ناکافی بودن قوانین و مشکلات در راه اجرای قوانین موجود موقعیت و شرایط حیات این قشر آسیب پذیر را در جامعه بسیار نگران کننده و طاقت فرسا ساخته است. به نظر می رسد برای رسیدگی به مشکلات

آنها نیاز به بسیج امکانات مادی و معنوی همه سازمان‌ها و نهادهای ارگان‌ها می‌باشد، تا کمترین آسیب‌ها و صدمات را متحمل شوند. یکی از راه‌های مهم در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، سوق دادن کمک‌ها به آنها از سازمان‌های حمایتی به خدمات بیمه‌ای و اجتماعی است. اجرای طرح بیمه اجتماعی این زنان، علاوه بر کمک به ارتقای امنیت روحی و روانی این زنان در اداره زندگی و کاهش دغدغه‌ها، می‌تواند به عنوان پشتوانه محکمی برای حمایت از آنها در شرایط سخت آینده و در دوران کهولت و ازکارافتادگی محسوب شود. توانمندسازی این زنان اگر جهت خوداشتغالی و ایجاد منبع درآمد پایدار باشد، شیوه‌ای مطمئن برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی بعدی به نظر می‌رسد.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳. بختیاری، آمنه؛ محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۵) حکومت و زنان سرپرست خانوار، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۴.
۴. تاج‌الدین، محمدباقر؛ رحمتی والا، لیلی (۱۳۹۳) رسانه ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هفدهم، شماره ۶۵.
۵. توسلی نایینی، منوچهر (۱۳۸۲) جنگ و حقوق کودکان آواره و بی سرپرست، نشریه ندای صادق، سال هشتم، شماره ۳۲.
۶. تاتینا بلداجی، ام لیلیا؛ فروزان، آمنه؛ رفیعی، حسن (۱۳۸۹) کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۷. دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۰) نقش آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به عنوان یک آسیب اجتماعی.
۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰) بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سوم، شماره دوم.
۹. مقدمی، نیلوفر (۱۳۹۶) حمایت از کودکان بی سرپرست در جمهوری اسلامی ایران، حقوق بشر در ایران، گزارش سایت گزارشگر، پایگاه جامع اطلاع رسانی حقوق بشر.
۱۰. مهاجری، زهرا (۱۳۹۲) زنان بی سرپرست؛ فراموش شدگان جامعه، خبرگزاری خبرآنلاین.

۱۱. ملازاده، علیرضا (۱۳۸۲) کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و نحوه عملکرد کارکنان مدرسه در قبال آنها، نشریه ماهنامه آموزشی - تربیتی، شماره تابستان.
۱۲. یعقوبی، اسماعیل (۱۳۸۵) حمایت از حقوق زنان و کودکان بی‌سرپرست در ایران در پرتو اصول حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی.

